Original Article **Open Access**

Health Law Journal

2025; 3: e8

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Right to Adequate Nutrition for Children in Times of Economic Crisis: State Obligations and International Support

Mohammad Mehdi Seyednasseri[1]

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The right to adequate and nutritious food constitutes a fundamental pillar of the international human rights system, particularly in relation to the rights of the child and is deeply interconnected with the rights to life, health and human dignity. Economic crises, arising from sanctions, recessions, inflation, or administrative inefficiencies, disproportionately threaten the food security of children. This study aims to examine the obligations of states and the role of international mechanisms in safeguarding children's right to adequate nutrition during periods of economic crisis. Within the framework of international human rights law, what obligations and mechanisms do states and international institutions bear to ensure the realization of children's right to adequate nutrition in times of economic crisis?.

Methods: The study employs a descriptive-analytical approach, based on a comparative review of international legal instruments, human rights jurisprudence and doctrinal scholarship.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the ethical aspects of library-based study Including the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings indicate that states hold three core obligations toward children: to respect, to protect and to fulfill the right to adequate nutrition. During economic crises, these obligations intensify, requiring positive measures such as the design of supportive policies, reinforcement of school feeding programs and the establishment of social support networks. Moreover, international institutions are obligated to play an active role through multilateral cooperation, emergency financing and independent monitoring mechanisms.

Conclusion: Ensuring children's right to adequate nutrition during economic crises is not merely an ethical duty but a legally binding obligation under international human rights law. Its realization necessitates a reassessment of national economic policies based on food justice and the social responsibility of states.

Keywords: Right to Food; Children's Rights; Economic Crisis; State Obligations; International Human Rights Law

Corresponding Author: Mohammad Mehdi Seyednasseri; **Email:** sm.snaseri@gmail.com

Received: July 27, 2025; **Accepted:** September 15, 2025; **Published Online:** November 05, 2025

Please cite this article as:

Seyednasseri MM. The Right to Adequate Nutrition for Children in Times of Economic Crisis: State Obligations and International Support. Health Law Journal. 2025; 3: e8.

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

اندیشکده بین المللی کرامت انسانی | انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی در پرتو وظایف دولت‌ها و حمایت‌های بین‌المللی

محمدمهدی سیدناصری[۱]

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق بر تغذیه کافی و سالم، به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کودک، پیوندی عمیق با حق بر حیات، سلامت و کرامت انسانی دارد. بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، رکود، تورم یا ناکارآمدی مدیریتی، بیشترین آسیب را بر امنیت غذایی کودکان وارد می‌سازد. هدف این پژوهش، بررسی تعهدات دولت‌ها و سازوکارهای بین‌المللی در حمایت از حق تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی است. دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشر، چه تعهدات و سازوکارهایی برای تضمین حق بر تغذیه کودکان در شرایط بحران اقتصادی بر عهده دارند؟

روش: پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه تطبیقی اسناد بین‌المللی، رویه‌های نهادهای حقوق بشری و دکترین حقوقی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله جنبه‌های اخلاقی شامل حفظ اصالت متون، صداقت، رضایت و اطلاع‌رسانی رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد دولت‌ها در قبال کودکان دارای سه تعهد اصلی‌اند: احترام، حمایت و تحقق حق بر تغذیه. این تعهدات در دوران بحران اقتصادی شدت می‌یابد و مستلزم اقدامات مثبت نظیر تدوین سیاست‌های حمایتی، تقویت نظام تغذیه مدارس و ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی است. همچنین نهادهای بین‌المللی باید از طریق همکاری‌های چندجانبه، تأمین مالی اضطراری و نظارت مستقل، نقش فعال‌تری ایفا کنند.

نتیجه‌گیری: تضمین حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی، صرفاً تکلیف اخلاقی نیست، بلکه تعهدی الزام‌آور در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشر محسوب می‌شود. تحقق این حق نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی ملی بر پایه عدالت غذایی و مسئولیت اجتماعی دولت‌هاست.

واژگان کلیدی: حق بر تغذیه؛ حقوق کودک؛ بحران اقتصادی؛ تعهدات دولت‌ها؛ حقوق بین‌الملل بشر

نویسنده مسئول: محمدمهدی سیدناصری؛ **پست الکترونیک:** sm.snaseri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۶/۲۴؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Seyednasseri MM. The Right to Adequate Nutrition for Children in Times of Economic Crisis: State Obligations and International Support. Health Law Journal. 2025; 3: e8.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مقدمه

تغذیه کافی و سالم، از بنیادی‌ترین نیازهای انسانی و یکی از ارکان اساسی تحقق حقوق بشر به شمار می‌آید. در میان تمامی گروه‌های اجتماعی، کودکان به دلیل وابستگی زیستی، رشد جسمی و ذهنی در حال تکوین و ناتوانی در دفاع از حقوق خود، بیشترین وابستگی را به تأمین مستمر و مناسب مواد غذایی دارند. تغذیه کافی، نه‌تنها پیش‌شرط بهره‌مندی از حق بر سلامت، بقا، رشد و آموزش است، بلکه شرط لازم برای تحقق کرامت انسانی و رشد همه‌جانبه کودک محسوب می‌شود. از این رو، حق بر تغذیه کودکان در منظومه حقوق بین‌الملل بشر، جایگاهی ممتاز یافته و به صورت صریح یا ضمنی در اسناد متعدد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، مورد شناسایی قرار گرفته است.

با این حال، در دهه‌های اخیر، جهان با بحران‌های اقتصادی پی در پی مواجه شده است که ریشه در عواملی چون رکود جهانی، افزایش تورم، تحریم‌های اقتصادی، بی‌ثباتی بازارهای مالی و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی داخلی دارد. این بحران‌ها، نه‌تنها بنیان‌های اقتصادی جوامع را متزلزل کرده، بلکه به صورت مستقیم امنیت غذایی کودکان را تهدید می‌کنند. کاهش قدرت خرید خانوارها، افزایش قیمت مواد غذایی، کاهش یارانه‌ها و محدودیت بودجه‌های حمایتی دولت‌ها، منجر به نقض گسترده حق بر تغذیه و بروز پدیده‌هایی چون سوءتغذیه، فقر غذایی و گرسنگی پنهان در میان کودکان شده است. در چنین شرایطی، کودکان نخستین قربانیان بحران‌های اقتصادی‌اند؛ قربانیانی که پیامدهای ناشی از کمبود تغذیه نه‌تنها بر سلامت جسمی و روانی آنان، بلکه بر آینده اجتماعی و اقتصادی کشورها نیز تأثیرگذار است.

با وجود اهمیت فزاینده این مسأله، بررسی‌های حقوقی نشان می‌دهد که ادبیات موجود در زمینه «حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی» هنوز از انسجام تحلیلی و نظام‌مندی لازم برخوردار نیست. بیشتر پژوهش‌ها به توصیف آثار اقتصادی یا اجتماعی بحران‌ها بسنده کرده و کمتر به بررسی تعهدات الزام‌آور دولت‌ها و نقش حمایتی نهادهای بین‌المللی از منظر حقوق بین‌الملل بشر پرداخته‌اند. این خلأ نظری و کاربردی، ضرورت انجام پژوهشی جامع را ایجاب می‌کند که ضمن تحلیل ساختار تعهدات دولت‌ها، سازوکارهای بین‌المللی تضمین حق بر تغذیه کودکان را نیز مورد واکاوی قرار دهد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که: بحران‌های اقتصادی چگونه موجب نقض حق بر تغذیه کودکان می‌شوند و چه وظایف و حمایت‌های بین‌المللی برای تضمین این حق وجود دارد؟ فرضیه پژوهش بر آن است که در دوران بحران‌های اقتصادی، تحقق حق بر تغذیه کودکان مستلزم اجرای تعهدات مثبت دولت‌ها، از جمله تضمین دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا، اتخاذ سیاست‌های جبرانی مؤثر و بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی و سازوکارهای حمایتی جهانی است.

روش

روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی است و با تکیه بر بررسی اسناد بین‌المللی، آرای نهادهای نظارتی، گزارش‌های سازمان‌های تخصصی و تجربه‌های ملی، به تحلیل ابعاد حقوقی، نهادی و اجرایی حق بر تغذیه کودکان در بستر بحران‌های اقتصادی می‌پردازد. این پژوهش می‌کوشد تا از رهگذر نگاهی نظام‌مند، پیوند میان تعهدات حقوقی دولت‌ها، ظرفیت‌های حمایتی بین‌المللی و الزامات عدالت غذایی را تبیین کرده و مسیر تحقق عملی این حق بنیادین در شرایط بحرانی را روشن سازد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد دولت‌ها در قبال کودکان دارای سه تعهد اصلی‌اند: ۱ـ احترام؛ ۲ـ حمایت؛ ۳ـ تحقق حق بر تغذیه. این تعهدات در دوران بحران اقتصادی شدت می‌یابد و مستلزم اقدامات مثبت نظیر تدوین سیاست‌های حمایتی، تقویت نظام تغذیه مدارس و ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی است. همچنین نهادهای بین‌المللی باید از طریق همکاری‌های چندجانبه، تأمین مالی اضطراری و نظارت مستقل، نقش فعال‌تری ایفا کنند. تضمین حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی، صرفاً تکلیف اخلاقی نیست، بلکه تعهدی الزام‌آور در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشر محسوب می‌شود. تحقق این حق نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی ملی بر پایه عدالت غذایی و مسئولیت اجتماعی دولت‌هاست.

بحث

۱. مبانی نظری و حقوقی حق بر تغذیه کودکان: حق بر تغذیه، از بنیادی‌ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر است که تحقق سایر حقوق انسانی، به ویژه حق بر سلامت، بقا و رشد، به آن وابسته است. در منظومه حقوق بین‌الملل، تغذیه کافی و سالم نه‌تنها به عنوان نیاز زیستی، بلکه به عنوان حق ذاتی و غیر قابل انتزاع هر انسان، به ویژه کودکان، شناسایی شده است. این حق، مبنای تحقق عدالت اجتماعی، توسعه انسانی و کرامت ذاتی کودک را تشکیل می‌دهد و به صورت مستقیم با تکالیف دولت‌ها در قبال رفاه عمومی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ارتباط دارد (۱). بر اساس ماده یازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها مکلف‌اند «سطحی از زندگی کافی از جمله تغذیه مناسب» را برای همه افراد تضمین کنند. این ماده، بنیان هنجاری حق بر تغذیه را در نظام حقوق بین‌الملل بشری بنا نهاده و دولت‌ها را موظف به اتخاذ تدابیر حقوقی، اقتصادی و اجتماعی برای تحقق آن کرده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره دوازده خود (۱۹۹۹ م.)، با تبیین مفهوم «تغذیه کافی»، ابعاد این حق را روشن ساخته و آن را فراتر از صرفِ دسترسی به غذا دانسته است. از منظر این تفسیر، تغذیه کافی مستلزم فراهم‌بودن غذا از نظر کمّی و کیفی، دسترسی فیزیکی و اقتصادی پایدار به آن، تناسب فرهنگی و ایمنی غذایی است، به گونه‌ای که نیازهای تغذیه‌ای فرد در تمام مراحل زندگی، به ویژه در دوران رشد کودکی، به درستی تأمین شود. در کنوانسیون حقوق کودک نیز، حق بر تغذیه به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد شناسایی قرار گرفته است. ماده ۲۴ این کنوانسیون، دولت‌ها را موظف به تضمین بالاترین سطح ممکن سلامت کودکان و تأمین تغذیه کافی از طریق آموزش والدین، مقابله با سوءتغذیه و تضمین دسترسی به خدمات بهداشتی می‌داند. ماده ۲۷ نیز بر «حق هر کودک به سطح زندگی کافی برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی و اجتماعی» تأکید می‌کند و دولت‌ها را ملزم به اتخاذ تدابیر مناسب، از جمله حمایت مادی و برنامه‌های یارانه‌ای غذایی، می‌سازد (۲). بنابراین حق بر تغذیه نه‌تنها جزئی از حق بر زندگی شایسته، بلکه محور تحقق حقوق دیگر کودک است. در تحلیل حقوقی، تعهدات دولت‌ها در زمینه حق بر تغذیه دارای سه بُعد اساسی است: تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به تحقق. نخست، تعهد به احترام ایجاب می‌کند که دولت‌ها از هرگونه اقدام یا سیاستی که دسترسی افراد، به ویژه کودکان، به غذای کافی را محدود یا سلب کند، خودداری نمایند، از جمله اتخاذ سیاست‌های ریاضتی، حذف یارانه‌های اساسی یا اقدامات اقتصادی که موجب افزایش فقر غذایی می‌شود؛ دوم، تعهد به حمایت مستلزم آن است که دولت‌ها از طریق تصویب قوانین و نظارت مؤثر، مانع از نقض حق بر تغذیه توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، از جمله شرکت‌های تجاری، کارفرمایان و نهادهای خصوصی شوند؛ سوم، تعهد به تحقق یا اجرای فعال، به معنای آن است که دولت‌ها باید تدابیر مثبت، از جمله سیاست‌های اجتماعی، برنامه‌های تغذیه مدرسه، حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، ایجاد بانک‌های غذا و تأمین بودجه لازم برای اجرای طرح‌های ملی تغذیه را اتخاذ نمایند، بدین‌سان حق بر تغذیه کودکان در حقوق بین‌الملل نه‌تنها تعهدی اخلاقی یا سیاستی، بلکه

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تکلیفی الزام‌آور برای دولت‌ها محسوب می‌شود. تحقق این حق نیازمند درک تلفیقی از ابعاد هنجاری، اجرایی و حمایتی آن است؛ درکی که دولت‌ها را از صرف اعلامیه‌های سیاسی به سمت اقدامات عملی و پاسخگو در برابر وضعیت تغذیه کودکان، به ویژه در دوران بحران‌های اقتصادی، سوق می‌دهد (۲).

۲. بحران‌های اقتصادی و تأثیر آن بر حق بر تغذیه کودکان: بحران‌های اقتصادی، به ویژه هنگامی که ماهیتی فراگیر و طولانی‌مدت می‌یابند، نه‌تنها بنیان‌های مالی و تولیدی کشورها را متزلزل می‌سازند، بلکه مستقیماً بر تحقق حقوق بنیادین بشر، از جمله حق بر تغذیه کودکان، اثر می‌گذارند. این بحران‌ها، در قالب رکود، تورم ساختاری، فروپاشی بازار کار، کاهش ارزش پول ملی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی، ظرفیت دولت‌ها را در تضمین امنیت غذایی تضعیف کرده و زمینه‌ساز گسترش فقر غذایی در میان خانوارها می‌شوند. در واقع، بحران اقتصادی صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست، بلکه واجد ابعاد عمیق اجتماعی و حقوقی است که به طور خاص، کودکان را به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه انسانی هدف قرار می‌دهد.

۲-۱. مصادیق بحران‌های اقتصادی: در دهه‌های اخیر، جهان شاهد اشکال متنوعی از بحران‌های اقتصادی بوده است که آثار و پیامدهای آن‌ها به ویژه در حوزه حقوق کودک، آشکارا قابل مشاهده است. بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ با کاهش اشتغال و درآمد خانوارها، میلیون‌ها کودک را در معرض سوءتغذیه قرار داد (۳). تحریم‌های اقتصادی نیز در کشورهایی مانند ایران و ونزوئلا، از طریق اختلال در واردات مواد غذایی، دارویی و نهاده‌های کشاورزی، امنیت غذایی را به شدت تضعیف کردند. در لبنان، فروپاشی نظام بانکی و تورم افسارگسیخته، دسترسی به کالاهای اساسی را به حداقل رسانده است. در یونان، سیاست‌های ریاضتی ناشی از بحران بدهی، منجر به کاهش بودجه‌های اجتماعی و حذف برنامه‌های تغذیه مدرسه شد. در یمن، جنگ و محاصره اقتصادی، بحرانی انسانی ایجاد کرده که بنا بر گزارش‌های سازمان ملل، میلیون‌ها کودک را در وضعیت گرسنگی مزمن قرار داده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که بحران اقتصادی در هر شکل خود، با سازوکارهای متفاوت اما نتایج مشابه، حق بر تغذیه کودکان را به صورت مستقیم و سیستماتیک نقض می‌کند (۴).

۲-۲. آثار اقتصادی و اجتماعی بحران بر کودکان: در شرایط بحران، نخستین پیامد، کاهش دسترسی خانوارها به مواد غذایی کافی و سالم است. افزایش قیمت‌ها، کاهش درآمد و از بین‌رفتن قدرت خرید، خانواده‌ها را ناگزیر به کاهش کیفیت و کمیت غذای مصرفی می‌سازد (۵). این وضعیت، منجر به گسترش سوءتغذیه، کم‌وزنی، کم‌خونی و سایر اختلالات رشد در کودکان می‌شود. سوءتغذیه مزمن نه‌تنها سلامت جسمی، بلکه رشد ذهنی و توان یادگیری کودکان را مختل کرده و آثار بلندمدتی بر آینده آنان بر جای می‌گذارد. افزون بر این، بحران‌های اقتصادی غالباً موجب تعلیق یا حذف برنامه‌های تغذیه مدرسه، کاهش بودجه بخش‌های آموزش و بهداشت و تضعیف نظام‌های حمایت اجتماعی می‌گردند. در چنین شرایطی، کودکان از چرخه تغذیه، تحصیل و مراقبت خارج شده و در معرض فقر چندبعدی قرار می‌گیرند. از منظر حقوقی، این وضعیت به معنای نقض همزمان چند حق بنیادین کودک است: حق بر تغذیه، حق بر سلامت و حق بر آموزش. افزون بر آثار جسمی، فقر غذایی موجب بروز مشکلات روانی و اجتماعی گسترده‌ای همچون اضطراب، افسردگی، احساس طردشدگی و کاهش عزت نفس در کودکان می‌شود. در بسیاری از جوامع، بحران اقتصادی با افزایش کار کودکان، ترک تحصیل و ازدواج زودهنگام همراه است که خود بازتولیدکننده چرخه فقر و محرومیت نسل‌های آینده خواهد بود. به طور کلی، بحران‌های اقتصادی را می‌توان از منظر حقوق بین‌الملل به عنوان وضعیت‌های اضطراری دانست که هرچند ناشی از عوامل اقتصادی یا سیاسی هستند، اما پیامدهای مستقیم آن‌ها در قلمرو حقوق بشر، به ویژه حق بر تغذیه کودکان، باید با رویکردی تعهدآور مورد شناسایی قرار گیرد. دولت‌ها، حتی در شرایط بحران، نمی‌توانند از تعهدات خود نسبت به تأمین حداقل‌های تغذیه و سلامت کودکان شانه

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

خالی کنند، زیرا این تعهدات، بنا بر اصول کلی حقوق بشر و هنجارهای عرفی بین‌المللی، دارای ماهیتی غیرقابل تعلیق‌اند (۶).

۳. وظایف و تعهدات دولت‌ها در دوران بحران اقتصادی

در قبال کودکان: حق بر تغذیه، به ویژه در قبال کودکان، از جمله حقوقی است که تحقق آن نیازمند تعهدات مثبت و مستمر دولت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی است. بحران‌های اقتصادی، با تضعیف توان مالی دولت‌ها و کاهش ظرفیت‌های حمایتی، آزمونی جدی برای سنجش میزان پایبندی کشورها به تعهدات حقوق بشری خود محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، پرسش بنیادین این است که تا چه اندازه دولت‌ها می‌توانند به استناد محدودیت منابع، از اجرای کامل تعهدات خود در قبال کودکان و حق بنیادین آنان بر تغذیه کافی سرباز زنند؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم تبیین دقیق حدود و ماهیت تعهدات دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل است.

۳-۱. حدود تعهدات بین‌المللی دولت‌ها: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌ها را موظف می‌سازد که «با به کارگیری حداکثر منابع موجود» برای تحقق تدریجی حقوق مقرر در آن، از جمله حق بر غذا، اقدام کنند. این تعهد به معنای آن است که حتی در شرایط بحران اقتصادی، دولت‌ها نمی‌توانند از وظیفه خود در تضمین حداقل استانداردهای تغذیه برای همه به ویژه کودکان، عدول کنند. کنوانسیون حقوق کودک نیز در مواد ۲۴ و ۲۷ بر مسئولیت دولت‌ها در تأمین تغذیه کافی و بهبود سلامت کودکان تأکید دارد (۷). قاعده «عدم پس‌رفت» یکی از اصول بنیادی در حقوق اقتصادی و اجتماعی است که دولت‌ها را از هرگونه اقدامی که منجر به کاهش سطح بهره‌مندی از حقوق موجود شود، منع می‌کند. بر اساس این قاعده، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی یا بودجه‌ای که موجب کاهش دسترسی کودکان به غذای کافی گردد، تنها در صورتی مجاز است که دولت بتواند ضرورت آن را با دلایل قانع‌کننده و موقتی‌بودن آن را اثبات کند. در غیر این صورت، چنین اقداماتی نقض آشکار تعهدات بین‌المللی محسوب می‌شود. در کنار این اصل، مفهوم «حداقل هسته اساسی حق بر غذا» جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم به آن بخش از تعهدات دولت‌ها اشاره دارد که حتی در دشوارترین شرایط اقتصادی، از جمله بحران مالی یا تحریم، باید به صورت فوری و بدون قید و شرط اجرا شود (۸). تأمین حداقل نیازهای تغذیه‌ای کودکان، جلوگیری از گرسنگی و تضمین دسترسی به مواد غذایی سالم و مغذی از مصادیق بارز این هسته اساسی است. هرگونه قصور دولت در این زمینه، نه صرفاً نقض یک حق اجتماعی، بلکه نقض کرامت ذاتی انسان و تعهدات بنیادین حقوق بشری تلقی می‌شود.

۳-۲. سیاست‌های داخلی برای حمایت از کودکان: اجرای تعهدات بین‌المللی در زمینه حق بر تغذیه، مستلزم طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر در سطح ملی است. در دوران بحران اقتصادی، نخستین اقدام دولت‌ها باید تدوین و اجرای برنامه‌های تغذیه اضطراری برای کودکان در معرض خطر باشد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل تغذیه رایگان مدارس، بسته‌های حمایتی غذایی برای خانوارهای کم‌درآمد و تأمین نیازهای تغذیه‌ای مناطق محروم باشند. یارانه‌های غذایی و سیاست‌های حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر، ابزار مهم دیگری در تحقق حق بر تغذیه محسوب می‌شوند. حذف یا کاهش ناگهانی یارانه‌های مواد غذایی در دوران تورم، برخلاف تعهدات دولت‌ها نسبت به اصل عدم پس‌رفت است و می‌تواند منجر به نقض فاحش حق کودکان بر تغذیه کافی گردد (۷). در مقابل، تقویت سیاست‌های تثبیت قیمت کالاهای اساسی، حمایت از تولید داخلی مواد غذایی و کاهش وابستگی به واردات، از جمله تدابیری است که می‌تواند پایداری امنیت غذایی را افزایش دهد. همچنین نقش جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی در تضمین امنیت غذایی کودکان نباید نادیده گرفته شود. دولت‌ها موظف‌اند با ایجاد چهارچوب‌های حقوقی و نهادی لازم، امکان مشارکت مؤثر این نهادها را در برنامه‌های تغذیه عمومی و نظارت بر اجرای آن فراهم آورند. شفافیت، پاسخگویی و مشارکت اجتماعی سه رکن اساسی سیاستگذاری موفق در حوزه حق بر تغذیه هستند که می‌توانند از بروز سوءمدیریت، فساد و تبعیض در تخصیص منابع جلوگیری

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

کنند (۹). در مجموع، بحران اقتصادی، هرچند می‌تواند محدودیت‌هایی در ظرفیت اجرایی دولت‌ها ایجاد کند، اما نمی‌تواند بهانه‌ای برای نقض حقوق بنیادین کودکان باشد. تعهدات حقوقی دولت‌ها در قبال حق بر تغذیه، تعهداتی غیر قابل تعلیق و مبتنی بر اصل کرامت انسانی‌اند؛ تعهداتی که رعایت آن‌ها نه‌تنها معیار سنجش پایبندی دولت‌ها به حقوق بشر است، بلکه ضامن حفظ بنیان‌های اخلاقی و انسانی جامعه در دوران بحران به شمار می‌آید.

۴. نقش و مسئولیت جامعه بین‌المللی در حمایت از حق بر تغذیه کودکان: حق بر تغذیه کودکان، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشری، ماهیتی فراملی و همبسته با اصول همبستگی انسانی دارد. در جهانی که بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی مرزهای ملی را درنوردیده است، تضمین این حق صرفاً با تلاش‌های یک دولت منفرد تحقق نمی‌یابد، بلکه مستلزم همکاری مؤثر و پایدار جامعه بین‌المللی است. مسئولیت دولت‌ها در قبال کودکان، به ویژه در شرایطی که بحران اقتصادی یا تحریم‌های گسترده، امنیت غذایی را تهدید می‌کند، باید در پرتو اصول همکاری بین‌المللی، مسئولیت مشترک و حمایت متقابل بازتعریف شود.

۴-۱. تعهدات همبستگی بین‌المللی: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بند نخست ماده دوم، دولت‌ها را موظف می‌دارد که نه‌تنها به صورت ملی، بلکه «از طریق همکاری بین‌المللی» و با به کارگیری حداکثر منابع موجود، برای تحقق تدریجی حقوق بشری، از جمله حق بر غذا، اقدام کنند. این حکم، مبنای حقوقی روشنی برای مسئولیت فرامرزی دولت‌ها در کمک به کشورهایی است که به واسطه بحران‌های اقتصادی، جنگ، یا بلایای طبیعی، قادر به تأمین نیازهای غذایی جمعیت خود، به ویژه کودکان، نیستند (۱۰). تعهد به همکاری بین‌المللی، بر پایه اصل همبستگی انسانی استوار است؛ اصلی که دولت‌ها را به ایفای نقش فعال در پیشگیری از گرسنگی، تأمین امنیت غذایی جهانی و حمایت از نظام‌های ملی تغذیه ملزم می‌کند. این تعهد، صرفاً جنبه سیاسی یا اخلاقی ندارد، بلکه در پرتو توسعه تدریجی حقوق بشر، به یک تعهد حقوقی الزام‌آور تبدیل شده است. دولت‌هایی که از ظرفیت اقتصادی و فنی بالاتری برخوردارند، موظف‌اند از طریق تأمین کمک‌های غذایی، مالی و فنی، از دولت‌های کم‌درآمد و بحران‌زده حمایت کنند تا حداقل استانداردهای حق بر تغذیه برای کودکان در سراسر جهان تحقق یابد. در این چهارچوب، اصل «مسئولیت مشترک، اما متفاوت» جایگاه ویژه‌ای دارد (۱۱). بر اساس این اصل، همه دولت‌ها در قبال تحقق حقوق بشری، از جمله حق بر تغذیه، مسئول‌اند، اما میزان و نوع این مسئولیت بر اساس ظرفیت‌ها و امکانات اقتصادی، فنی و نهادی آنان متفاوت است. کشورهایی که نقش مؤثرتری در ایجاد بحران‌های اقتصادی جهانی یا نظام‌های نابرابر تجاری دارند، باید سهم بیشتری در جبران آثار منفی آن بر جوامع آسیب‌پذیر، به ویژه کودکان، ایفا کنند.

۴-۲. سازوکارها و نهادهای بین‌المللی مؤثر: نظام بین‌المللی معاصر، مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارها را برای تضمین امنیت غذایی و حمایت از حق بر تغذیه ایجاد کرده است. سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت، صندوق کودکان ملل متحد و برنامه جهانی غذا از جمله ارکان اصلی در این حوزه‌اند که با مأموریت‌های مکمل، به کاهش گرسنگی، بهبود وضعیت تغذیه و تضمین سلامت کودکان در سطح جهانی می‌پردازند. برنامه جهانی غذا، با اجرای طرح‌های تغذیه اضطراری در مناطق بحران‌زده، نقش حیاتی در جلوگیری از گرسنگی کودکان ایفا می‌کند. همزمان سازمان خواروبار و کشاورزی و صندوق کودکان ملل متحد با همکاری دولت‌ها، برنامه‌های توسعه کشاورزی محلی، آموزش تغذیه‌ای و حمایت از مادران و کودکان را در کشورهای کم‌درآمد تقویت می‌کنند. این سازوکارها زمانی کارآمد خواهند بود که دولت‌ها تعهدات مالی خود را در قبال این نهادها به طور کامل و منظم ایفا کنند و همکاری فنی و اطلاعاتی لازم را برای برنامه‌ریزی منسجم فراهم آورند (۱۲).

از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی گسترده و یک‌جانبه، تهدیدی جدی برای امنیت غذایی کودکان محسوب می‌شود. این تحریم‌ها، با محدودکردن واردات مواد غذایی، دارو و

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تجهیزات کشاورزی، می‌توانند به طور مستقیم موجب گرسنگی و سوءتغذیه شوند. جامعه بین‌المللی، به ویژه شورای حقوق بشر و کمیته‌های ناظر بر اجرای معاهدات، موظف است بر ضرورت اعمال استثناهای بشردوستانه در تحریم‌ها تأکید کند تا جریان کمک‌های غذایی و دارویی به کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر مختل نشود. هرگونه سیاست اقتصادی یا تحریم که منجر به نقض گسترده حق بر تغذیه گردد، نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشر و عدالت انسانی است. در نهایت، تحقق حق جهانی بر تغذیه کودکان، نیازمند نظامی منسجم از همکاری، همیاری و مسئولیت‌پذیری بین‌المللی است؛ نظامی که در آن، حق کودک بر غذا نه یک امتیاز وابسته به توان مالی کشورها، بلکه تعهدی مشترک برای همه اعضای جامعه جهانی تلقی شود (۱۳). جامعه بین‌المللی تنها زمانی می‌تواند ادعای وفاداری به کرامت انسانی را داشته باشد که گرسنگی هیچ کودکی، در هیچ نقطه‌ای از جهان، نتیجه بی‌عملی، تبعیض یا بی‌تفاوتی جهانیان نباشد.

۵. تحلیل تطبیقی و رویه‌های بین‌المللی در پرتو سازوکارهای حقوق بشری: حق بر تغذیه کودکان، نه‌تنها یک حق بنیادین انسانی بلکه شاخصی تعیین‌کننده در ارزیابی تعهدات دولت‌ها در برابر گروه‌های آسیب‌پذیر است. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که کشورها و نظام‌های حقوقی مختلف، با رویکردهای متفاوت، سعی کرده‌اند این حق را در شرایط بحران‌های اقتصادی و انسانی تضمین کنند. برخی کشورها مانند نروژ، سوئد و کانادا، با تدوین قوانین داخلی و ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، سطح دسترسی کودکان به تغذیه کافی را حتی در دوران بحران حفظ کرده‌اند و تجربه آن‌ها نشان می‌دهد که وجود تعهدات قانونی داخلی منسجم، همراه با مکانیزم‌های نظارتی، اثر مستقیمی بر کاهش سوءتغذیه و نابرابری غذایی دارد. در سطح بین‌المللی، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با صدور تفسیر عمومی شماره ۱۲، چهارچوبی روشن برای حق بر تغذیه ارائه داده و دولت‌ها را موظف به رعایت تعهدات سه‌گانه احترام، حمایت و تحقق در برابر گروه‌های آسیب‌پذیر کرده است. گزارش‌های گزارشگران ویژه سازمان ملل در زمینه گرسنگی و تغذیه کودکان، همچنین، با ارائه شواهد میدانی و ارزیابی تأثیر بحران‌های اقتصادی، نشان داده‌اند که عدم همکاری فرامرزی و ناکافی‌بودن کمک‌های بین‌المللی، همواره یکی از عوامل کلیدی نقض این حق بوده است. تحلیل تطبیقی کشورهای درگیر بحران اقتصادی، از جمله یونان در دوران رکود شدید، لبنان در بحران اقتصادی و مالی، ونزوئلا در اثر تحریم‌ها و کاهش تولید داخلی و یمن در وضعیت جنگ و محاصره، نشان می‌دهد که عدم توانایی دولت‌ها در اجرای برنامه‌های حمایتی، به ویژه برنامه‌های تغذیه مدرسه و حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد، موجب تشدید سوءتغذیه و ضعف رشد کودکان شده است. از سوی دیگر، تجارب موفق در برخی کشورها مانند برزیل و مکزیک که برنامه‌های ملی تغذیه مدرسه و کوپن‌های غذایی را با حمایت بین‌المللی ترکیب کرده‌اند، نشان می‌دهد که همگرایی سیاست‌های داخلی و بین‌المللی می‌تواند دسترسی کودکان به غذای کافی را به شکل چشم‌گیری تضمین کند. رویه‌های بین‌المللی همچنین بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل تأکید دارند که توان ارزیابی تأثیر بحران‌های اقتصادی بر حق بر تغذیه کودکان را داشته باشند و دولت‌ها را نسبت به اجرای تعهدات قانونی خود پاسخگو کنند. کنوانسیون حقوق کودک و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ضمن تأکید بر حق دسترسی کودکان به تغذیه کافی، الزام به اقدام مثبت دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در شرایط بحرانی را به صراحت بیان کرده‌اند. تحلیل این اسناد نشان می‌دهد که تحقق عملی این حق مستلزم تدوین سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی منسجم، اختصاص بودجه کافی، همکاری با نهادهای بین‌المللی و تقویت مشارکت جامعه مدنی است. در نهایت، بررسی تطبیقی و رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که موفقیت در تضمین حق بر تغذیه کودکان، بیش از هر چیز، نیازمند رویکردی جامع و چندسطحی است که هم اقدامات قانونی داخلی، هم سازوکارهای حمایتی بین‌المللی و هم نظارت مؤثر جامعه مدنی را شامل شود. این تحلیل همچنین نشان می‌دهد که صرف وجود تعهدات

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

بین‌المللی، بدون ایجاد ابزارهای اجرایی و هماهنگی عملی میان دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، نمی‌تواند امنیت غذایی کودکان را تضمین کند و ضرورت پیوند حقوقی ـ اجرایی میان تعهدات دولت‌ها و سازوکارهای بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است.

۵-۱. رویه کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر حق بر غذا: کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از طریق تفسیرهای عمومی و بررسی گزارش‌های ادواری دولت‌ها، چهارچوبی روشن برای فهم و اجرای حق بر تغذیه ارائه کرده است. تفسیر عمومی شماره ۱۲ این کمیته، حق بر غذا را نه صرفاً به عنوان تأمین کالری یا مواد غذایی، بلکه به‌مثابه حقی چندبُعدی و پویا تعریف می‌کند که مستلزم دسترسی مداوم، پایدار و کرامت‌محور به غذای کافی است (۱۴). بر اساس این تفسیر، دولت‌ها موظف‌اند سیاست‌هایی جامع برای تحقق تدریجی این حق تدوین کنند و از هرگونه اقدام یا سیاستی که موجب تضعیف دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر ـ به ویژه کودکان ـ به غذای کافی می‌شود، خودداری نمایند. کمیته در ارزیابی گزارش‌های کشوری بارها تأکید کرده است که بحران‌های اقتصادی و مالی، هرچند ممکن است منابع دولت‌ها را محدود سازند، نمی‌توانند توجیهی برای نقض حق بر تغذیه باشند. دولت‌ها باید حتی در دشوارترین شرایط، «حداقل هسته اساسی» این حق را تضمین کنند. کمیته همچنین در موارد متعدد، دولت‌ها را به ایجاد نظام‌های حمایتی پایدار، به ویژه در قالب برنامه‌های تغذیه مدارس، توزیع غذای رایگان برای کودکان کم‌درآمد و جلوگیری از احتکار یا افزایش مصنوعی قیمت مواد غذایی، فراخوانده است (۱۵).

۵-۲. گزارش‌های گزارشگران ویژه سازمان ملل درباره گرسنگی و تغذیه کودکان: گزارشگران ویژه حق بر غذا، با بررسی میدانی وضعیت کشورها، ابعاد تازه‌ای از چالش‌های مرتبط با تغذیه کودکان را آشکار کرده‌اند. این گزارش‌ها به ویژه بر پیوند میان گرسنگی کودکان، سیاست‌های اقتصادی ناعادلانه، تحریم‌ها و بی‌ثباتی‌های سیاسی تأکید دارند (۱۶). در گزارش‌های ارائه‌شده به شورای حقوق بشر، مکرراً بر این نکته تأکید شده است که سوءتغذیه کودکان صرفاً یک مسأله بهداشتی یا اجتماعی نیست، بلکه نقض مستقیم تعهدات حقوقی دولت‌ها در قبال حقوق بشر است. گزارشگران ویژه، با استناد به اصول همبستگی بین‌المللی، از دولت‌های ثروتمند خواسته‌اند تا در قالب کمک‌های مالی و غذایی هدفمند، از کشورهایی که درگیر بحران‌های اقتصادی هستند، حمایت کنند. همچنین در این گزارش‌ها بر لزوم مستثناساختن اقلام غذایی و دارویی از تحریم‌های اقتصادی و تضمین دسترسی کودکان به منابع ضروری تغذیه تأکید شده است (۱۷).

۵-۳. تجارب تطبیقی کشورها در حفظ امنیت غذایی کودکان در شرایط بحران: مطالعه تجارب تطبیقی کشورها نشان می‌دهد که دولت‌هایی که موفق به کاهش آثار منفی بحران‌های اقتصادی بر کودکان شده‌اند، ویژگی‌های مشترکی دارند (۱۸). در یونان، پس از بحران مالی دهه گذشته، اجرای برنامه‌های گسترده تغذیه مدرسه با همکاری جامعه مدنی توانست شاخص گرسنگی کودکان را به طور چشم‌گیری کاهش دهد. در ونزوئلا، با وجود فشارهای اقتصادی، دولت از طریق ایجاد شبکه توزیع مستقیم مواد غذایی برای خانواده‌های کم‌درآمد، توانست از افزایش نرخ سوءتغذیه در میان کودکان جلوگیری کند (۱۹). در لبنان و ایران نیز تجربه بانک‌های غذا و یارانه‌های هدفمند تغذیه‌ای نشان داده است که حتی در شرایط تورم شدید، با طراحی سازوکارهای شفاف و نظارت مؤثر، می‌توان از نقض گسترده حق بر تغذیه کودکان پیشگیری کرد. در مجموع، تحلیل تطبیقی و رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که تحقق حق بر تغذیه کودکان، بیش از هر چیز، وابسته به اراده سیاسی دولت‌ها و نهادینه‌سازی این حق در سیاستگذاری‌های اقتصادی و اجتماعی است (۲۰). جامعه جهانی، از رهگذر تقویت نظارت‌های بین‌المللی و ایجاد نظام پاسخگویی مشترک، باید اطمینان یابد که هیچ بحرانی خواه اقتصادی، سیاسی یا تحریمی نتواند کودکان را از ابتدایی‌ترین حق انسانی‌شان، یعنی تغذیه کافی، محروم سازد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نتیجه‌گیری

بر پایه یافته‌های این پژوهش، فرضیه اصلی مبنی بر اینکه بحران‌های اقتصادی نه‌تنها تعهدات دولت‌ها را در قبال حق بر تغذیه کودکان کاهش نمی‌دهد، بلکه ضرورت اجرای فعالانه‌تر تعهدات مثبت و تقویت همکاری‌های بین‌المللی را دوچندان می‌سازد، مورد تأیید قرار می‌گیرد. حق بر تغذیه کودکان، به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق بشر، از چنان جایگاه ذاتی و غیر قابل تعلیقی برخوردار است که هیچ توجیهی ـ اعم از بحران مالی، تحریم یا محدودیت منابع ـ نمی‌تواند موجبات عدول از آن را فراهم سازد. این حق، نه امتیازی وابسته به توان اقتصادی دولت‌ها، بلکه تکلیفی مستمر و الزام‌آور در چهارچوب تعهدات بین‌المللی آنان است. در سطح ملی، دولت‌ها مکلف‌اند با بازنگری در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، از یکسو مانع از اعمال سیاست‌هایی شوند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دسترسی کودکان به تغذیه کافی را محدود می‌کند و از سوی دیگر، از طریق برنامه‌های حمایتی نظیر تغذیه مدارس، یارانه‌های غذایی و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، حداقل هسته اساسی این حق را تضمین نمایند. در سطح منطقه‌ای، همکاری میان کشورها برای تبادل تجربیات، ایجاد شبکه‌های تأمین غذایی مشترک و تقویت سازوکارهای نظارت بر امنیت غذایی کودکان ضروری است. در سطح بین‌المللی نیز، سازمان‌های ملل و نهادهای تخصصی آن باید از رهگذر سیاستگذاری هماهنگ، تأمین منابع مالی و ایجاد چهارچوب‌های پاسخگویی، نقش فعالی در تضمین این حق ایفا کنند. از حیث سیاستگذاری و اقدام عملی، پیشنهادهای زیر می‌تواند مسیر تحقق پایدار حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی را ترسیم کند:

۱ـ تدوین چهارچوب‌های حقوقی الزام‌آور در سطح ملی و بین‌المللی برای تضمین حمایت از کودکان در شرایط بحران، از جمله تصویب قوانین ویژه امنیت غذایی کودک‌محور؛

۲ـ ایجاد صندوق بین‌المللی ویژه «امنیت غذایی کودکان» با مشارکت دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی، به منظور تأمین منابع اضطراری در دوران بحران‌های اقتصادی یا انسانی؛

۳ـ گنجاندن شاخص‌های تغذیه کودکان در نظام نظارتی سازمان ملل متحد به گونه‌ای که وضعیت تغذیه کودکان به صورت دوره‌ای در گزارش‌های حقوق بشری و توسعه‌ای کشورها مورد ارزیابی قرار گیرد؛

۴ـ افزایش شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها در تخصیص بودجه‌های اجتماعی و امنیت غذایی، از طریق ایجاد سازوکارهای نظارت عمومی، گزارش‌دهی دوره‌ای و مشارکت نهادهای مدنی.

در نهایت، تحقق حق بر تغذیه کودکان در دوران بحران‌های اقتصادی، مستلزم درک آن به عنوان یک تعهد جمعی و همبسته است. جامعه بین‌المللی باید با عبور از رویکردهای صرفاً خیرخواهانه و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر عدالت تغذیه‌ای، اطمینان یابد که هیچ کودکی، در هیچ شرایطی، از ابتدایی‌ترین حق انسانی خود، یعنی دسترسی به تغذیه کافی، سالم و باکرامت محروم نگردد.

مشارکت نویسندگان

محمدمهدی سیدناصری تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

بیانیه هوش مصنوعی

برای کمک در فرآیند تحقیق و نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. Committee on Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No.12: The right to adequate food (Art.11). UN Doc. E/C.12/1999/5. 1999.

2. Ayala A, Meier BM. A human rights approach to the health implications of food and nutrition insecurity. Public Health Rev. 2017; 38: 10.

3. Cordova Montes RD. Using international human rights law to address hunger in the U.S. The Business, Entrepreneurship & Tax Law Review. 2022; 6(2): 1-20.

4. East M. Right to food. Humanium. Online. Available at: https://www.humanium.org/en/food/.

5. James C. The role of dignity in rights-based food policy in the UK. King's Law Journal. 2025; 36(2): 338-359.

6. Kent G. Child feeding and human rights. International Breastfeeding Journal. 2006; 1(1): 27.

7. Lähteenmäki-Uutela A, Sormunen M, Barathi Sharl Marimuthu S, Grmelva N, Ltuarte-Lima C, Lonkila A. Rights of the child as imperatives for transforming food systems. Ecology and Society. 2024; 29(3): 29.

8. Lambek N, Claeys PH. Institutionalizing a fully realized right to food: Progress, challenges and opportunities. Vermont Law Review. 2016; 40(4): 743-786.

9. Lohnes J. The uneven legal geographies of nutrition entitlement. University of Miami International and Comparative Law Review. 2024; 31(1): 45-67.

10. Mechlem K. Food security and the right to food in the discourse of international law. European Law Journal. 2004; 10(5): 631-648.

11. Morris K. Faces of hunger: An intersectional approach to children's right to food. Journal of Law and Society. 2022; 49(4): 726-752.

12. Narula S. Realizing the right to food in Maine: Insights from legal reforms. Maine Law Review. 2024; 76(2): 165-202.

13. Sheehy B. Re-framing the food insecurity problem using a rights-based approach. Michigan Journal of International Law. 2022; 43(2): 631-698.

14. Söllner S. The "breakthrough" of the right to food: The Meaning of General Comment No. 12 and the Voluntary Guidelines for the Interpretation of the Human Right to Food. Max Planck Yearbook of United Nations Law. 2007; 11(1): 391-415.

15. United Nations. A/HRC/58/48. Report of the Special Rapporteur on the right to food. UN Doc. A/HRC/58/48. 2025.

16. United Nations. Convention on the Rights of the Child. UN Doc. A/RES/44/25. 1989.

17. United Nations. Protecting children's right to a healthy food environment. UNICEF. 2019. Available at: https://www.unicef.org/media/96101/file/Protecting-Childrens-Right-Healthy-Food-Environment.pdf.

18. United Nations. What is the right to food? Food and Agriculture Organization. Available at: https://www.righttofood.org/work-of-jean-ziegler-at-the-un/what-is-the-right-to-food/.

19. World Food Programme. Realising the right to food in the shadow of global aid cuts. World Vision International. 2025. Available at: https://www.wvi.org/opinion/view/beyond-survival-realising-right-food-shadow-global-aid-cuts.

20. World Food Programme. UN's WFP says 58 million face hunger crisis after huge shortfall in aid. Reuters. 2025. Available at: https://www.reuters.com/world/uns-wfp-says-58-million-face-hunger-crisis-after-huge-shortfall-aid-2025-03-28/.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.